

روایت هنرمند از نمایشگاه «مدام/بی‌نشان»
چیدمانی از تنهایی انسان



نمایشگاه چیدمان ستاره جباری مستحسن با نام «مدام/بی‌نشان» در گالری سایه برپاست.

ستاره جباری در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره آثاری که در این مجموعه به نمایش درآمده است گفت: این مجموعه شامل یک چیدمان از مدیای مجسمه، ویدئو، نقاشی و طراحی است که هر کدام از این اجزا حضور مستقل داشته و با هم بی‌ارتباط هستند، اما همگی به موضوع اصلی «مدام/بی‌نشان» می‌پردازند.

جباری ادامه داد: همیشه ویدئوهای مستند می‌ساختم که فرم‌های بصری آنها بر پایه اتفاقات مستند بودند، اما برای اولین بار ویدئویی ساختم که سوژه آن مجسمه‌های همین مجموعه هستند. در نمایشگاه قصد من نشان دادن اجتماعی از کله‌دوکی‌ها بود و بعد در ویدئو شاهد دگرپرسی این مجسمه‌ها هستم. چند بی‌نهایت برای این مجسمه‌ها ساختم که آنها را غیرقابل شمارش می‌کند. یک شیوه برای این کار چیدمان مجسمه‌ها در آینه و تکثیر آنهاست و دیگری یک لوپ بی‌انتهای ویدئو است. اما در نهایت آنچه دیده می‌شود تنهایی کله‌دوکی‌هاست و با وجود شباهت زیاد، احساس تنهایی در مجسمه‌ها وجود دارد.

او درباره طراحی‌ها و نقاشی‌های این مجموعه گفت: رشته تحصیلی من نقاشی بود و به همین دلیل نقاشی همیشه در کنار کارم وجود دارد. اما چندان به نقاشی کلاسیک معتقد نیستم و فکر می‌کنم مدیاهای مختلف باید در کنار هم باشند تا بتوانند ارتباط معاصر برقرار کنند. در نقاشی‌های این مجموعه سوژه اصلی دریا و درچه‌های باز هستند و سعی کردم فضای بی‌نهایتی برای فیگورها ایجاد کنم.

جباری افزود: مجموعه طراحی‌های من در واقع مشق‌های شبانه هستند که به صورت بده‌و-وستانی که ارتباطی با اجتماع ندارد شکل می‌گیرند. در هیچ کدام از مدیاهای این مجموعه شباهت و قیاس یک به یک وجود ندارد، اما تعدادی از طراحی‌ها که می‌توانست نشان دهد چگونه به ایده دو کلاه رسیدم را در نمایشگاه ارائه کردم تا به مخاطب بگویم ذهنیتی که در طراحی‌ها بوده بعداً به شکل مجسمه و ویدئو ساخته شده است.

او درباره دلیل استفاده از دوک گفت: مخاطبانی که این آثار را می‌بینند معانی مختلف برای دوک‌ها پیدا می‌کنند و به عنوان مثال پیچیده شدن فیگور در پبله را تجسم می‌کنند. اما در واقع به دلیل اینکه طراحی لباس زمستانی انجام می‌دادم، دوک‌های باقی مانده از آن کار را بازیافت کردم و حس کردم آنها می‌توانند تبدیل به فیگور شوند. با این دوک‌ها بستری ساختم تا مخاطبان بتوانند برداشت شخصی از آنها داشته باشند.

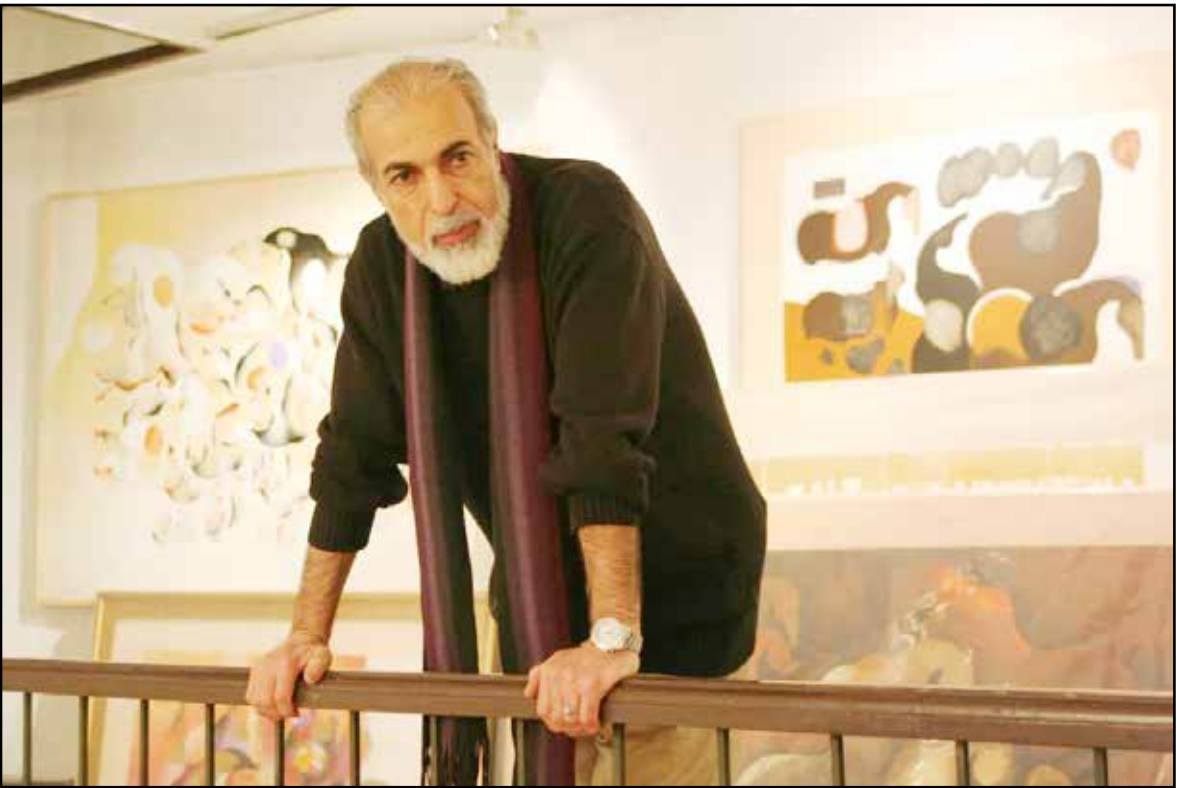
جباری ادامه داد: دوک‌های بازیافتی با کله‌های پلی‌استر ترکیب شدند و مجسمه‌هایی ناهمگون به وجود آوردند. اگر چه بیشتر سرها توسط قالب‌گیری تکثیر شده‌اند، اما زمانی که روی دوک‌ها قرار گرفتند متفاوت به نظر می‌رسند. دوک‌ها کنار هم چیده شدند اما هیچ ارتباطی با هم ندارند و حتی جهت سر آنها به گونه‌ای است که نمی‌توانند به یکدیگر نگاه کنند. با این چیدمان قصد داشتم تنهایی انسان در اجتماع را نشان دهم.

نمایشگاه چیدمان ستاره جباری مستحسن تا ۲۴ بهمن در گالری سایه برپاست. این گالری در خیابان کریم‌خان، خیابان سنایی، خیابان سیزدهم، شماره ۲۱ قرار دارد.



مروری بر آثار محمدعلی ترقی‌جاه هشت سال پس از درگذشت او

آمیزش جهان عینی و ذهنی



است، اما تقلید از دنیای بیرونی برای ترقی‌جاه معنایی ندارد، بلکه اموری طبیعی به شمار می‌روند که به عناصر شاعرانه‌او تبدیل نشوند. به این ترتیب توجه به دنیای بیرونی و تمرکز بر دنیای درونی پیوندی ناگسستنی در آثار او می‌آفرینند و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. محمدعلی ترقی‌جاه با آغاز سفر هنری خود در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۴ غالباً موضوعاتی بر گرفته از طبیعت را به تصویر می‌کشید. با

در حرکت و در فضایی بی‌انتهای تأثیر آرامش‌بخش بر بیننده می‌گذارد. در آثار محمدعلی ترقی‌جاه، به وضوح حال‌وهوایی شرقی حس می‌شود و عناصری که برای نقاشی‌هایش برمی‌گزیند در وضعیت پر احساس انعکاس می‌یابند. این تجسم شرقی در نقاشی‌های او به شکل موتیف‌هایی از مینیاتورها و حروف‌نگاری ایرانی جلوه‌گر می‌شوند و به‌ویژه در عناصر نوشتاری نقاشی‌های او، وجه دیگری از فرهنگ ایرانی را به آثارش می‌افزاید. ترقی‌جاه این عناصر نوشتاری را که اغلب از میان اشعار حافظ و مولانا انتخاب می‌کند به فرآیند نیازش به عنوان ابزار پیام عشق در جهان به کار می‌برد. در ترکیبی که آواز عناصر تصویری و نوشتاری خلق می‌کند به این شناخت می‌رسیم که چگونه خط و تصویر با هم پیوند می‌یابند. به این ترتیب از همان دوره‌های آغازین نقاشی‌های محمدعلی ترقی‌جاه، شیوه خاص او یعنی آمیزش جهان عینی و ذهنی قابل مشاهده است. در نقاشی‌های او یک حلقه ارتباط نزدیک بین دنیای بیرونی و درونی وجود دارد. نقطه آغاز برای این هنرمند طبیعت

این حال از آغاز، هدفش نه بازنمایی طبیعت، که مکاشفه در رنگ‌آمیزی و ترکیب‌بندی‌هایی مطابق با ذوق و شاعرانه‌او است. در این مرحله بوم‌های او سرشار از رنگ‌های پرتوان است که به چشم‌اندازها، طبیعت بی‌جان و فیگوهای اغلب زنانه‌و جان می‌بخشد. ترقی‌جاه در ادامه مسیر، تهرنگ‌های لطیف و خطوط کنارنمای پرتاکید را جایگزین پوشش رنگی عناصر می‌کند. در این مرحله ترکیب‌بندی‌ها هر چه

بیشتر به سوی سادگی و توازن پیش می‌روند. در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰، محمدعلی ترقی‌جاه تجربه‌هایی بازم عمیق‌تر در ترکیب‌بندی‌های سرشار از رنگ و طرح پی‌می‌گیرد. او در صدد است موضوع سنتی مینیاتور ایرانی را با شیوه‌ای نواز حیث‌ارائه و هدف بیان کند. از دهه ۱۳۶۰ به این سو، گرمی و جلای درخشان طلازینت‌بخش آثار محمدعلی ترقی‌جاه می‌شود و به شیوه مینیاتورها موضوع را غرق در جلال و نور می‌کند. در این مرحله چهره‌زنان، گیاهان، بخشی از پیکره اسب‌ها و خروس‌های همیشگی کارهای او، همچنین عناصر تزئینی در این شبکه زربین جای می‌گیرند و شمایل‌های مذهبی را در ذهن بیننده تداعی می‌کنند. همه این‌ها به رابطه متفاوتی با جهان مادی اشاره دارند؛ جهانی که کالبدها در آن بدون وزن، به نر می‌و در سکوت حرکت می‌کنند و بالاخره در سال‌های پایانی حیات این هنرمند، نقاشی‌های او هر چه بیشتر به سوی انتزاع رفته‌اند. اسب‌های آشنای نقاشی‌های او در این مرحله در حال تحول به شکل‌هایی سیال‌اند که در یک ترکیب یکدیگر می‌پیوندند؛ مرز بین شکل‌ها محو می‌شود و حالتی گریزپا و رویایی به آن‌ها می‌دهد؛ ترکیب‌ها از دتر تجربه می‌شوند و موضوع نقاشی به کنار می‌رود و جای خود را به عناصر بصری خالص تری مثل بافت، ضرباهنگ قلم و نقوش تزئینی می‌دهد و ترکیب غافلگیرکننده‌ای از سنت و نوآوری پیش‌روی بیننده می‌گذارد و او به این ترتیب موفق می‌شود در نهایت حال و هوایی امروزی‌تر به عناصر سنتی هنر ایرانی بدهد.



توصیف‌های ترقی‌جاه از هر آنچه به عنوان عناصر نقاشی‌هایش برمی‌گزیند، رنگی از شاعرانگی دارد و به وضوح از صافی احساسات درونی‌اش می‌گذرد. فرم، ضرباهنگ و ترکیب‌بندی‌های او همه و همه گویی در خدمت همین بیان تغزلی است که شکل می‌گیرد و پیدای می‌شود

درباره هنرمند

محمدعلی ترقی‌جاه سال ۱۳۲۲ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات رسمی خود را در رشته مهندسی مکانیک به پایان رساند و حدود سه سال نیز در این زمینه به کار پرداخت، اما طولی نکشید که از مهندسی روی برگرداند و خود را یکسره وقف نقاشی کرد.

در سال ۱۳۴۶ برنده مدال طلای مسابقات هنری دانشگاه‌های ایران شد. در آغاز دهه ۱۳۶۰ روش ویژه خود را که مشخصه آن اسب‌های تجرید یافته (استیلیزه) بود پی‌ریخت که به نشان هنری وی معروف شد. سال ۱۳۶۲ در دومین دوسالانه آسیا در بنگلادش و گالری «می‌گروس» سوئیس آثارش را ارائه کرد و در همین سال نمایشگاه انفرادی او در موزه هنرهای معاصر تهران برپا شد.

۱۳۶۳ گالری «شالر» اشتوتگارت در آلمان و «گالری بی» در سوئیس میزبان آثار او شدند. گالری «می‌لتون» سوئیس و گالری «کورس» در شیکاگو امریکای هم در سال ۱۳۶۴ آثارش را به نمایش گذاشتند.

سال ۱۳۷۷ موزه بین‌المللی هنر قرن بیست و یکم آمریکا (TIMOTCA) نقاشی‌های محمدعلی ترقی‌جاه را به عنوان نماینده هنر ایران انتخاب و از او دعوت کرد که به نمایندگی از ایران آثار خود را در این موزه به نمایش بگذارد. در ۱۳۸۱ اثرش در حراج «کریستی» لندن ارائه شد. محمدعلی ترقی‌جاه در سال ۱۳۸۹ پس از پایان نمایشگاه آثارش در ژنو و بازگشت به ایران در ۶۷ سالگی درود حیات گفت.



هنرمندان و مشاهیر جهان را اعم از ترکیه‌ای و خارجی مانند اورهان پاموک، پابلو پیکاسو یا سالوادور دالی دارد که فقط به یک لحاظ ویژه به نظر می‌رسند. در همه این عکس‌ها نوعی صمیمت میان سوژه و عکاس به چشم می‌آید که تصویر همیشگی این مشاهیر را دستخوش تغییر می‌کند. مسأ در عکس‌های آرا گولر با شخصیت بدون نقاب و زندگی خصوصی‌تر این مشاهیر مواجه هستیم. عکس‌هایی که ممکن است در بسیاری از فضاها به چشم شما هم خورده باشد.

در کل نمایشگاه آرا گولر را باید سوگواره‌ای بر استانبول سنتی با همه عقاید اصیلش دانست که هر تصویری در آن می‌توانست بدل به تصویری شاعرانه شود و شکلی از ناب بودگی را در خود داشته باشد. آرا گولر در عکس‌هایش از فقدان استانبولی حرف می‌زند که شاعرانه بود.

از سویی کارکردهایشان در ساحت تصویر را درک کند؛ اما این المان‌ها تنها ما را به نقطه‌ای ویرای تصویر هان می‌برد؛ بلکه تحت سیطره‌ای از عظمت به نوعی قبض حسانی دچار می‌کند. شاید خواسته عکاس در این تصاویر نمایان کردن عظمت مسجد ایاصوفیه باشد که در این صورت او توانسته در بهترین شکل این حس را برای ما به وجود بیاورد. لنز او یا شکوه معمارانه ایاصوفیه را دیده است و یا گرد همایی‌های منظمی را که در مسجد شکل گرفته است. او شکوه ایاصوفیه را به صورت مخاطبش می‌گوید. با این حال شکلی از بداهت هم در تصویرهای آرا گولر از ایاصوفیه هست. در واقع او انگار لحظه مواجهه خودش با عظمت مسجد را ثبت می‌کند و در این نقطه از مخاطبش هم می‌خواهد که با او همراه باشد. او در بخش سوم نمایشگاه که به عکس مشاهیر مربوط است، عکس‌های برخی

شات ثبت شده است که مخاطب می‌تواند لایه‌های مختلف زندگی کاراکتر حاضر در عکس را در یک تناوب خیالی در ذهن خودش فرض کند.

پرتره‌های او از کارگران نشان از زیست طولانی عکاس با سوژه‌هایش دارد. او توانسته با نزدیک شدن به سوژه‌ها، زندگی کردن با آن‌ها و بعد جداشدن و فاصله گرفتن از آن‌ها به نوعی اخلاقی زیستن کاراکترهایش را بدل به تصویر کند. تصویرهایی که با تکرارشان ما را به یک روحی جمعی در استانبول گره می‌زند که اگر چه ظاهر به هم ریخته‌ای دارد؛ اما خبر از یک شاعرانگی در خیال سوژه‌های می‌دهد. بخش دیگر عکس‌های آرا گولر عکس‌های او از مسجد ایاصوفیه است که در فریم‌هایی رنگی چاپ شده است. اگر چه آرا گولر در این عکس‌ها هم توانسته به درستی المان‌های پرکاربرد و



نگاهی به عکس‌های «آرا گولر» عکاس شهیر ترکیه‌ای

سوگواره‌ای برای اصالت استانبول

کرده است. او بعد از هضم همه جوانب زندگی جاری در شهر آن را درون یک فریم با قطعه عکس فشرده می‌کند.

او به کارکردهای المان شهری برای فهم هویت یک زیست‌بوم تسلط دارد. او برای تحقق گفته خودش، یعنی ثبت تصویر شاعرانه‌ای از استانبول مهم‌ترین المان‌های عصر زندگی‌اش را دریافت و آن‌ها را بر جسته می‌کند. در بیشتر عکس‌های شهری، او المان‌هایی مانند مسجد «ایاصوفیه»، دریا، قایق‌های مملو از ماهیگیر و مرغ‌های دریایی را به کرات و از زوایای متعددی به تصویر می‌کشد. تصاویری که با عمق میدانی بالا در نهایت به نور خورشید ختم می‌شود و حسی مانند یک طلوع همیشگی در شهر را برای مخاطبش ایجاد می‌کند. گولر حس زندگی‌رانه با پرداختن به رنگ‌های متکثر در شهر استانبول (عکس‌های او از شهر سیاه و سفید هستند)، بلکه با چینش المان‌های اصیل شهر استانبول به شکلی لایه لایه، رو به سوی یک افق روشن ترسیم می‌کند.

در عکس‌های خیابانی‌اش که بیشتر پیرامون تصویر کارگران و کودکان شهر استانبول می‌چرخد هم او به نوعی افق‌سازی دست می‌زند. به خصوص عکس‌هایی که از قهوه‌خانه دارد به گونه‌ای در یک نمای مدیوم

عکاسی استوار
نمایشگاه عکس‌های آرا گولر، عکاس سرشناس ترکیه‌ای این روزها در مرکز «بتشی» به تماشا درآمده است. عکس‌های آرا گولر در این نمایشگاه به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته نخست، عکس‌هایی از استانبولی است که هنوز به شکلی مشهود چهره مدرنیزاسیون را به خود نگرفته و هنوز نمادهای المان‌هایی از سنت‌های این شهر را می‌توان در آن تماشا کرد. عکس‌هایی که در جست‌وجوی هویت اصیل و غنی برخاسته از فرهنگ ترکیه است.

بخش دیگری از این عکس‌ها به مسجد «ایاصوفیه» و عظمت و جایگاه آن از دو جنبه معماری و البته تأثیرات فرهنگی بر هویت مردم استانبول می‌پردازد.

بخش سوم تصویرهایی که در این نمایشگاه

است، به مشاهیری هم چون پابلو پیکاسو، سالوادور دالی و... می‌پردازد که آرا گولر به عنوان عکاس در سال‌های زندگی‌اش با آن‌ها مواجه شده است.

در بررسی بخش نخست تصاویر نمایشگاه می‌توان به این حقیقت پی‌برد که آرا گولر

شهرشناسی به شدت زنده است. شهرشناسی

که عکس‌ها و تصاویرش را بارها و بارها زندگی